

از مجله هیستوریا چاپ پاریس  
بقلم ، پیرگاکزوت (۱)  
مورخ فرانسوی و عضو آکادمی فرانسه



## تاریخ نویسی کاری بسیار دشوار است

در سنوات اخیر ، عده‌ای کوشیده‌اند مفهوم سنتی تاریخ را عوض کنند و برای این علم وظیفه‌ای و رسالتی مخصوص قائل شوند . آنان معتقدند تاریخ منشأ تمام تحولات اجتماعی است و هیچکس نمی‌تواند برخلاف مسیر تاریخ حرکت کند . بعبارت دیگر ، بعقیده آنان تاریخ نه تنها وقایع گذشته بلکه روی داده‌های آینده را نیز در بر می‌گیرد بدین معنی که مورخ ، با مطالعه گذشته باید آینده را پیش‌بینی کند . ولی این برداشت از علم تاریخ صحیح بنظر نمی‌رسد زیرا پیش‌بینی آینده از وظایف مورخ نیست . تاریخ نویسی که بخواهد بر اساس وقایع گذشته ، حوادث آینده را پیش‌بینی کند ، نه تنها خوانندگان بلکه خود را نیز فریب می‌دهد . وظیفه اصلی مورخ تشریح وقایع گذشته و توضیح عللی است که موجب بروز این وقایع شده است و انجام دادن این وظیفه خود کاری بسیار دشوار است .

**منابع تاریخی:** از گذشته میتوان تنها بوسیله آثاری که از خود باقی گذاشته است اطلاع پیدا کرد . این آثار بسیار متنوع و شامل بر انواع مدارك و اسناد رسمی و خصوصی ، مکاتبات ، خاطرات ، کتب ، مجلات ، روزنامه‌ها ، ابنیه تاریخی ، خانه‌های مسکونی قدیمی ،

\* آقای دکتر هادی خراسانی از مترجمانان چیره دست معاصر .

گورستانها ، جاده‌ها ، آثار هنری وامثال آن میگردد .

تاریخ‌نویس باید از هر چیز که گذشته را روشن میسازد استفاده کند مثلاً از اسناد رسمی سیاسی که در بایگانی وزارتخانه‌ها نگاهداری شده تا اثاث و وسائل خانه که از حفريات بدست آمده است و طرز زندگی قرون گذشته را منعکس میسازد . در تحقیقات تاریخی آثاری از قبیل معابد و کلیساهای قدیمی بهمان اندازه ارزش دارد که اسناد رسمی معتبر و حتی مدارك بظاهر کم‌اهمیت اداری از قبیل صورت حسابهای مالیاتی وامثال آن ، مورخ میتواند بعضی از اوقات بامراجعه بمنابع بظاهر پیش‌افتاده و بی‌اهمیت ، به کشف حقایق تاریخی نائل گردد . برای اثبات این مدعا کافی است به ذکر مثالی به‌پردازیم : در قرن شانزدهم ، پس از کشف قاره آمریکا ، مقادیری زیاد فلزات گرانبها از قاره جدید به اسپانیا سرازیر گردید . نخست طلاهاییکه از معابد و کاخ‌های قاره آمریکا بدست آمده بود و سپس نقره‌هاییکه از معدن مکزیك و پرو استخراج شده بود و اینها وضع اقتصادی آن کشور را دگرگون ساخت . این فلزات قیمتی بوسیله کشتی حمل‌گردیده از بندر سویل اسپانیا وارد شد . مورخان بامراجعه به بارنامه و اسناد کشتی‌های آن زمان توانستند بطور نسبتاً دقیق میزان این فلزات قیمتی را تعیین کنند بعلاوه آنان پی‌برده بودند که تمام این فلزات گرانبها در اسپانیا باقی نمانده بلکه قسمتی از آنها بطرق مختلف به کشوری دیگر منتقل گردیده است . ولی بطور دقیق نمیدانستند بچه میزان و با چه سرعتی و در اقتصاد آن کشورها چه اثری گذاشته است .

تا اینکه يك محقق فرانسوی موسوم به **راوو** (۲) از اهالی ایالت پواتیه برای رفع این مشکل راهی پیدا کرد . وی تصمیم گرفت برای اطلاع یافتن از میزان فلزاتیکه از اسپانیا بفرانسه وارد شده بود ، بدفتر خانه‌های رسمی ایالت خود مراجعه کند و اسناد مربوط به واگذاری ، تقسیم یا انتقال یا مصالحه اموال را که در این دفترخانه‌ها تنظیم شده بود ، مورد مطالعه قرار دهد ، سردفتران آن زمان کار خود را با دقت انجام میدادند ، مثلاً موقعیکه اسناد مربوط به معاملات مختلف از قبیل انتقال اموال و یا تقسیم ارث و غیره را تنظیم میکردند ، صورت اموال موضوع معامله را به تفکیک منقول و غیر منقول و وجوه تقدرا با قید اینکه چه مقدار از سکه‌های طلا یا نقره تشکیل مییافته است ، ذکر میکردند . همچنین در مفاصا حسابها قید مینمودند که بدهکار چه مقدار از بدهی خود را بصورت سکه‌های طلا و یا نقره پرداخته است . راوو با بررسی این مدارك و اسناد ، به میزان وجوهیکه از اسپانیا بفرانسه وارد گردیده بود پی برد . و باین نتیجه رسید که در فرانسه در دوران سلطنت هائری دوم پادشاه آن کشور ، در حدود نصف تا دو سوم وجوه در گردش ، از پولها و سکه‌های صادر شده از اسپانیا تشکیل مییافته است و این پولها باندازه‌ای در فرانسه رواج

پیدا کرده بود که پادشاهان آن کشور بمنظور جلوگیری از تقلب‌های احتمالی ، دستور داده بودند هر چند وقت يك بار مشخصات سکه‌های اسپانیولی منجمله وزن و عیار آنها را برای اطلاع عموم منتشر کنند . بدین ترتیب تحقیقات راوویکی از نکات مبهم اقتصادی آن زمان را روشن ساخت و نشان داد که یکی از علل افزایش سریع قیمت کالاها در قرن شانزدهم صدور مسکوکات و پولهای اسپانیا بفرانسه بوده است .

**اهمیت نقش شخصیت‌ها در وقایع تاریخی :** بعضی از مورخان منکر اهمیت نقش شخصیت‌ها در وقایع تاریخی گردیده‌اند . آنان معتقدند ، نظام‌های اجتماعی ، رقابت‌های طبقاتی ، تحولات فنی و اقتصادی ، روندهای قیمت‌ها و دستمزدها ، واقعیات تاریخی را تشکیل میدهند و سایر وقایع ارزشی چندان ندارد . البته من منکر اهمیت تاریخ اجتماعی نیستم و خود دهسال از عمرم را در راه نوشتن تاریخ « مردم فرانسه » صرف کرده و کوشیده‌ام نه تنها شرح حال رهبران و زمامداران فرانسه را بنویسم بلکه ملت فرانسه را بشناسانم و زندگی روزمره گذشته آنان را تشریح کنم معذالك باید خاطر نشان ساخت که اگر تاریخ اجتماعی حائز اهمیت است ، تاریخ سیاسی نیز بهمان اندازه مهم میباشد . ضمن مطالعه وقایع گذشته اغلب بمواردی پرمیخوریم که نشان میدهد چگونه اتخاذ يك تصمیم مهم سرنوشت ملتی را تغییر داده و مسیر تاریخ را عوض کرده است . اگر **لوئی شانزدهم** از خصوصیات روحی و اخلاقی دیگری جز آنچه داشت ، برخوردار می‌بود ، احتمالاً انقلاب کبیر فرانسه صورتی دیگر بخود میگرفت و اگر **ناپلئون بناپارت** در سوء قصدی که در **کوچه سن فیکز (۳)** علیه جان او شده بود ، کشته‌میشد ، قطعاً تاریخ فرانسه در مسیری دیگر میافتاد . حقیقت امر آن است که تاریخ بسیار پیچیده و دارای جنبه‌های مختلف میباشد و مورخ می‌تواند هر يك از این جنبه‌ها را مورد بررسی قرار دهد . مثلاً فقط به نوشتن شرح حال رجال پیردازد و یا تاریخ يك سلسله از سلاطین را برشته‌تحریر در آورد و یا کوشش خود را به کاوش وقایع جنگ مخصوص بدارد بعلاوه با گذشت زمان ، وقایع تاریخی رنگی دیگر بخود میگیرد و حوادثی که قبلاً ندیده گرفته و یا بی‌اهمیت تلقی گردیده بود از پرده ابهام خارج میشود و بصورتی تازه در نظر مورخ جلوه میکند . مثلاً فرانسویان معاصر که ناظر اشغال فرانسه بوسیله آلمان نازی بوده‌اند ، اکنون میتوانند وحشتی را که در میان مردم در دوران انقلاب فرانسه حکمفرما بود ، بهتر درك کنند . علم تاریخ با علوم ریاضی و فیزیک و طبیعی فرق دارد زیرا در آن امکان انجام تجربیات آزمایشگاهی وجود ندارد . مثلاً نمیتوان تسخیر زندان باستیل را بعنوان آزمایش تکرار کرد . بعلاوه در اغلب کتابهای تاریخ حتی اگر باحسن نیت کامل نوشته شده باشد ، احساسات و نظریات شخصی مورخ راه می‌یابد . آیا از این مطلب باید نتیجه گرفت که مورخ هرگز نمی‌تواند به حقایق تاریخی

دست یابد . البته چنین نیست . ولی مسلم است که حقایق تاریخی را نمی‌توان باسانی کشف کرد . بعضی از دورانهای تاریخی بعلت اینکه اسناد و مدارك مربوط به آنها برای ما قابل فهم و درك نبوده در پرده ابهام باقی مانده است . مثلاً تاریخ مصر باستان قبل از آنکه **شامپلیون** (۴) در سال ۱۸۲۲ بخواندن خط هر و کلیف موفق گردد ، چنین وضعی را داشت . تاریخ **اتروسک‌ها** (۵) نیز چون خط آنها برای ما نامفهوم مانده و تا کنون بخوبی روشن نگردیده است . تنها منبعی که از تمدن این قوم در دست است ، آثار است که در نتیجه کاوشهای باستان‌شناسی در مقابر و معابد آنها کشف کرده‌اند شامل است بر نقوش ، حجاریها ، مجسمه‌ها ، زینت‌آلات ، جواهرات و امثال آن . در مقابل مشکل فقدان یا قلت منابع و مأخذ تاریخی مشکل معکوسی ، یعنی کثرت و وفور مدارك و اسناد ، وجود دارد . زیرا این امر غالباً مورخ را در مقابل روایات ضد و نقیض و حتی مدارك و اسناد جعلی قرار میدهد . نامه‌هایی که در قرن هشتم و دهم میلادی ، بمنظور اثبات قدرت و نفوذ کلیسا بدروغ به بعضی از پاپ‌ها نسبت داده شده بود ، نمونه‌هایی از این گونه اسناد جعلی بشمار میرود . برخی از نوشته‌ها نیز حقیقت را با دروغ میامیزد و مورخ را گمراه میسازد . یکی از نمونه‌ها خاطراتی است که **سولاوی** (۶) در دوران انقلاب کبیر فرانسه از قول **مارشال دوریشلیو** (۷) جعل کرده بود . پاره‌ای از تألیفات نیز به غرض و تعصب آلوده است مانند خاطرات **سن سیمون** (۸) که در آن اغراض و احساسات شخصی مولف راه یافته است . خاطرات سنت‌هلن که بوسیله ناپلئون نوشته و یا تقریر شده است نیز بیطرفانه بنظر نمی‌آید زیرا مقصود وی در تقریر یا تقریر این خاطرات آن بوده است که کارهای خود را در نظر آیندگان موجه قلمداد کند و برای روی کار آمدن بازماندگان خود زمینه را مساعد سازد . قدرت ادبی و نفوذ کلام نیز ممکن است به تعریف حقایق تاریخی کمک کند . این امر در مورد منشآت «**لابرویر**» (۹) مصداق پیدا میکند . وی در مقالات شیوای خود که خوانندگان را مجذوب کرده و تحت تأثیر قرار میدهد ، کشاورزان زمان خود را « حیوانات وحشی » توصیف کرده است . ولی يك مورخ دیگر موسوم به «**لنه‌ن**» (۱۰) دهقانان آن زمان را بنحوی دیگر شناسانده و نوشته است که آنان مانند طبقه اشراف ، با گیلاسه‌های ظریف شراب مینوشیدند و بنواختن ویلون می‌پرداختند و دخترانشان جامه‌های فاخر می‌پوشیدند . این تصویر که با عبارات ساده و عاری از مبالغه و لفاظی ترسیم شده ، بیش از ادعای **لابرویر** به حقیقت مقرون مییاشد و نشان میدهد کشاورزان آن زمان در فقر و تنگدستی بسر نمی‌برده‌اند . مورخ برای بی‌بردن به حقایق باید به منابع مختلف اعم از اسناد رسمی اداری ، مدارك مذهبی و پرونده‌های قضائی مراجعه و از گزارشها و نوشته‌های مأموران مالیاتی - قضات و رهبران مذهبی اطلاع پیدا کند . ولی اینگونه مدارك و اسناد باید با احتیاط مورد استفاده

قرار گیرد زیرا مکاتبات اداری همواره حقایق را منعکس نمیسازد. مردم معمولاً برای شکایت و یا درخواست کمک و ارفاقی با ادارات نامه می‌نویسند. مثلاً یک مؤدی مالیاتی هیچوقت در نامه خود قوانین مالیاتی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد بلکه معمولاً منظورش از نوشتن نامه تقاضای تعدیل بدهی مالیاتی خود و یا گرفتن مهلت است.

بدین ترتیب مشاهده میشود که تاچه اندازه کشف حقایق تاریخی دشوار است. مورخ باید اسناد و مدارک و نوشته‌های مختلف را بایکدیگر مقایسه کند و پس از غورو بررسی دقیق در صورت ضرورت آنها را اصلاح نماید. بدین طریق، رفته رفته، حقایق آشکار میگردد و یک تصویر نسبتاً واقعی از گذشته بدست می‌آید. ولی بی‌بردن به حقایق، به تنهایی کافی نیست و همانطوریکه قبلاً اشاره شد، مورخ باید حتی المقدور علل بروز وقایع را نیز روشن سازد. ناپلئون به حق به **تاسیت** (۱۱) مورخ رومی ایراد گرفته است و میگوید: « این مورخ انگیزه‌هایی که افراد را بدست زدن به عملی وادار نموده است تشریح نکرده است. »

**لزوم تشریح علل بروز وقایع تاریخی:** نقل وقایع بدون تشریح انگیزه‌های که موجب بروز آنها گردیده است، تاریخ را بصورت داستانی پیهوده و بی‌ثمر درمی‌آورد. ولی مورخ برای درک علل بروز وقایع تاریخی باید به افکار، معتقدات و منافعی که محرک اعمال و رفتار گذشتگان بوده است، پی ببرد. یکی از اشتباهاتی که غالباً بآن دچار میشویم این است که مردمی را که در گذشته زندگی میکردند با معیارها و ارزش‌های زمان خود مورد قضا و حکومت قرار میدهیم. یک آنتی زمان **پریکلس**، بایک فرانسوی عصر حاضر فرق داشته و دارای معتقدات، آمال، افکار و خلیقیات مخصوص بخود بوده است. یک بورژوازی دوره لوئی چهاردهم رویهمرفته یک فرد مذهبی و مؤمن به تعلیمات کلیسا بوده است و حال آنکه خلف او در دوران سلطنت **لوئی فیلیپ** چندان به معتقدات مذهبی پای بند نبوده و تحت تأثیر افکار **ولتر** قرار میگرفته است. اشتباهی دیگر که باید از آن احتراز جست آن است که تصور کنیم اجداد ما وقایعی را که بعد از آنان رخ داده است و ما از آنها اطلاع داریم، پیش‌بینی میکردند. مثلاً بعضی‌ها تصور میکنند در پایان دوره امپراطوری روم قدیم، هنگامیکه اقوام وحشی خود را برای حمله بروم آماده میساختند، رومیان آنزمان، بروز این واقعه را پیش‌بینی کرده و در اضطراب و نگرانی بسر می‌برده‌اند و حال آنکه حقیقت امر چنین نیست. در آن موقع هیچکس وقایعی را که در شرف تکوین بود، پیش‌بینی نمیکرد، بعکس همه گمان میکردند وضع موجود آنزمان هم‌چنان ادامه خواهد یافت و همین بی‌توجهی، بروز فاجعه حمله به روم را تسریع کرده است. همچنین به استناد اینکه انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ بوقوع پیوسته است، نباید تصور کنیم که فرانسویان دوره سلطنت **لوئی پانزدهم و شانزدهم** بروز این دگرگونی را انتظار داشته‌اند. فرانسویان آنزمان طرفدار حکومت سلطنتی بودند

و عصر خود را دوران طلائی و صلح پایدار می‌پنداشتند و نمیتوانستند جنگ و کشتارها و اعدام‌هایی را که بوسیله گیوتین در دوران انقلاب صورت گرفت، پیش‌بینی کنند.

**دانیل مورفه (۱۲)** یکی از محققان فرانسوی، برای پی‌بردن باینکه تا چه اندازه افکار و عقاید روشنفکران آن زمان در پدید آمدن انقلاب کبیر فرانسه تأثیر داشته است، تحقیقاتی بعمل آورد و فهرست کتابهایی را که در دوران قبل از انقلاب فرانسه در کتابخانه‌های خصوصی، طبقات مختلف مانند پزشکان، وکلای دادگستری، قضات، نظامیان، کارمندان اداری و غیره وجود داشت مورد بررسی قرار داد و باین نتیجه رسید که کتابهاییکه در آن زمان بیش از همه خواننده داشت عبارت بود از کتاب لغت تألیف بیل (۱۳)، تاریخ طبیعی تألیف بوفون و «مناظر طبیعی» تألیف کشیشی بنام پلوش (۱۴) از میان کتابهای و لتر فقط «هانریاد» و «قرن لوئی چهاردهم» یعنی کتابهای تاریخی خواننده داشته است. کتاب «ناینایان» تألیف دپردرو فقط در ۷ کتابخانه از ۵۰۰ کتابخانه مورد بررسی و کتاب «قرارداد اجتماعی» تألیف روسو فقط در یک کتابخانه از این ۵۰۰ کتابخانه وجود داشته است.

بنابراین، برخلاف آنچه تصور می‌رود، در آن زمان کسی حدسی نمی‌زده است که بزودی انقلابی بروز خواهد کرد و طوفانی عظیم تمام‌سده‌ها را درهم خواهد شکست. این امر نشان می‌دهد که وقایع تاریخی برای بروز و ظهور خود به تهیه مقدمات قبلی طولانی احتیاج ندارد و نیز به ثبوت میرساند که مردمی که در بین سالهای ۱۷۵۰ تا ۱۷۸۰ در فرانسه می‌زیستند از آینده نگرانی نداشتند بلکه باخوش‌بینی ناشی از معتقدات و افکار رایج عصر خود، زندگی می‌کردند و می‌اندیشیدند. یکی از وظائف مهم مورخ تشریح و فهماندن همین گونه اصول و معتقدات است. آیا این کار دشوار است؟ آری. زیرا مورخ حتی بطور ناخودآگاه تحت تأثیر عقاید و افکار رائج زمان خود قرار می‌گیرد. معذالك درك اندیشه‌ها و معتقدات گذشتگان غیر ممکن نیست زیرا با آنکه بشر تغییر می‌کند، انگیزه‌ها و معتقدات بنیادی او تا حدودی ثابت میماند بهمین علت است که ما وقتی تألیفات کمین (۱۵) را می‌خوانیم با انگیزه‌های سزار امپراطور روم و یا لوئی یازدهم پادشاه فرانسه با سانی پی می‌بریم. ولی نباید به حسن قضای زمامداران کشورها زیاد اطمینان داشته باشیم. اوگوزینستون (۱۶) صدر اعظم کوستا و اولف پادشاه سوئد موقعیکه پسرش بسنی رسید که بتواند مقامی را احراز کند به وی چنین گفت: «پسرم اکنون پی خواهی برد که امور جهان بدست چه ابلهانی اداره میشود.» در این بیان حقیقتی نهفته است زیرا حماقت زمامداران در بروز حوادث تاریخی بی‌تأثیر نیست و نباید تصور کرد که وقایع مهم تاریخی فقط بوسیله مردان بزرگ صورت می‌گیرد. همانطوریکه یک دیوانه میتواند خانه‌ای را آتش بزند، یک زمامدار نالایق میتواند بیهوده کشوری را بخالك و خون بکشد. بعقیده رفان (۱۷) علم تاریخ مبتنی بر احتمالات

است. **گورنو (۱۸)** میگوید: «تاریخ مخلوطی از قوانین لایتغیر و حوادث اتفاقی است.» در حقیقت تاریخ نه مانند علم هندسه تابع قوانین لایتغیری است و نه صرفاً از یک سلسله حوادث تصادفی تشکیل میگردد. زیرا اگر تابع قوانین معینی بود ممکن بود همه چیز را پیشبینی کرد و اگر از یک سلسله حوادث اتفاقی تشکیل میگردد، هیچ چیز قابل فهم و درک نبود. در بروز وقایع تاریخی عوامل قابل محاسبه و نیز عوامل غیر قابل پیشبینی دخالت دارد. مورخ باید این وقایع را ثبت و علل بروز آنها را تشریح کند. **پل والری (۱۹)** علم تاریخ را به استناد اینکه خصومت‌ها و کینه‌های گذشته و بالنتیجه حس انتقام جوئی بین ملل را زنده نگاه میدارد، مورد انتقاد قرار میدهد. ولی واقعیت امر آنست که تاریخ را نمی‌توان از میان برد مگر با از بین بردن حافظه افراد بشر که آنهم امکان پذیر نیست. تاریخ احساس نسبی بودن امور را بیش از حس کینه‌توزی و جنگ‌جوئی در ما تقویت میکند. جذابیت تاریخ ولذتی که از مطالعه آن بماندست میدهد ناشی از آن است که تاریخ جزئی از خود ماست و از روح و قلبمان سرچشمه میگیرد و از میراث خانوادگی برای ما ارزنده‌تر است.

---

۱ - PIERRE GAXOTTE - ۲ RAVEAU - ۳ SAINT NICAISE - در شب نوئل سال ۱۸۰۰ میلادی موقمی که بناپارت که در آن زمان سمت کنسول اول فرانسه را داشت هنوز خود را امپراطور اعلام نکرده بود با کالسکه به اوپرا میرفت توطئه‌گران طرفدار سلسله بوروبون بمنظور قتل او در کوچه سن نیکز بشکه باروتی منفجر کردند که در نتیجه آن چندین نفر کشته و مجروح گردیدند ولی بناپارت از این حادثه جان سلامت بدر برد. ۴ - CHAMPOLLION مستشرق فرانسوی (۱۷۹۰-۱۸۳۲ میلادی) ۵ - ETRUSQUES قومی که در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد در منطقه توسکان ایتالیا تمدن پیشرفته‌ای را بوجود آورده بودند. ۶ - SOULAVIE ۷ - ARMAND DE RICHELIEU مارشال فرانسوی (۱۶۹۶ - ۱۷۸۸ میلادی) از اعقاب کاردینال ریشلیو ۸ - SAINT SIMON نویسنده فرانسوی (۱۶۷۵ - ۱۷۵۵ میلادی) که در خاطرات مشهورش وقایع دربار فرانسه در زمان خود را برشته تحریر در آورده است ۹ - LA BRUYÈRE - نویسنده فرانسوی (۱۶۴۵ - ۱۶۹۶) ۱۰ - LENAIN - ۱۱ - TACITE مورخ رومی (۵۵ - ۱۲۰ میلادی) ۱۲ - DANIEL MORNET - ۱۳ - DEYLE - ۱۴ - PLUCHE ۱۵ - COMMINES مورخ فرانسوی (۱۴۴۷ - ۱۵۱۱) که وقایع دوران سلطنت لسوئی یازدهم را برشته تحریر در آورده است. ۱۶ - OXEINSTEIRN - ۱۷ - ER\EST RENAN نویسنده فرانسوی (۱۸۰۱ - ۱۸۷۷ میلادی) ۱۸ - COURNOT ریاضیدان و فیلسوف فرانسوی (۱۸۰۱ - ۱۸۷۷ میلادی) ۱۹ - PEUL VALERY شاعر فرانسوی (۱۸۷۱ - ۱۹۴۵ میلادی)